

## تکلیفی در دوران غیبت!

مرحوم صدرالاسلام همدانی در کتاب شریف «تکالیف الانام فی غیبةالامام» در ذیل تکلیف ۵۵ می نویسد:<sup>۱</sup>  
از جمله تکالیف انام، در غیبت امام علیه الصلوة والسلام به سیره وسلوک و طریق امام ارواحنا فداه راه رفتن و ترک بعضی حالات وسیره ی ابناء دنیا را کردن است! بدان که سیره، سلوک و رفتاری که پیغمبر خدا و ائمه ی هدی صلی الله علیهم اجمعین داشتند، همواره صحابه ی کبار و تابعین والاتباء همان سیره و رفتار را پیشه ی خود کرده به همان قسم راه می رفتند و حتی المقدور جاهد و ساعی بودند که از سیره ی اهل بیت معصومین سلام الله علیهم تخلف و تخطی نمایند؛ و حال آنان در زمان رسول اکرم صلی الله علیه وآله و سلم همین قسم بود، تا پیغمبر خدا از دار فنا به عالم بقا رحلت فرمودند.

در زمان حضرت امیرالمومنین علیه السلام اشخاصی که ایمان صحیح داشتند و از زمره ی منافقین و اهل دنیا خارج بودند، همواره سیره ی اهل بیت معصومین را علیهم السلام از دست نداده، با کمال فقر و فاقه و شدت زهدات و عبادت به سر می بردند و ابدأ اعتنائی به دنیا و اهل دنیا نداشتند و اشخاصی که تاب و توانائی نداشتند، از آن حضرت علیه السلام منحرف شده به طرف اهالی دنیا رفته و از آخرت روی برتافتند.

و امر همین طور دایر و سایر بود در اعصار پس از پیامبر و ائمه ی طاهرین سلام الله علیهم اجمعین تا زمان غیبت صغری که خواص اصحاب حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه نیز به همان سیره و طریقه ی اهل بیت راه

---

<sup>۱</sup> - برخی قسمتها به جهت سهل تر شدن مفهوم تغییراتی جزئی در چینش عبارات یا برخی کلمات داده شده است ولی ابدأ تغییری در مضمون و محتوا حاصل نشده است.

<sup>۲</sup> - خلاصه ی کلام و هدف نگارنده (مرحوم همدانی) تذکر به این مطلب است که سیره ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام و اصحاب ایشان پرهیز از دنیا و انس با عبادت بوده و هم اکنون نیز که عصر غیبت امام علیه السلام است باید سیره ی پیروان آن عزیز غایب از نظر چنین باشد و با توضیح روایتی مهم بیان می دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین احوالی (دنیا زدگی و عذر تراشی برای این غفلت ها) را که در امتشان پیدا شده پیش بینی کرده و تأسف خورده اند.

بیان این مختصر برای آگاهی مخاطب از سیر مطلب بود و الا خواندن خود متن بسیار مفید و تأثیرگذار است؛ به لطف امام زمان علیه السلام.

می رفتند، و تمام اوقات شبانه روز خود را صرف طاعت و عبادت و ریاضت و بندگی می نمودند و ابداً چشمی به زخارف دنیویه نداشتند و تخم محبت دنیا را در دل نکاشتند و در آناء لیل و نهار به عبادت پروردگار مستغرق و مشغول بودند، چنان که در کافی است که: روزی حضرت امیرالمومنین علیه السلام در عراق نماز صبح را با مردم گزاردند و چون از نماز فارغ شدند، مردم را موعظه نموده و از خوف الهی گریانیدند و فرمودند: ای مردم، به خدا قسم که من یافتم در عهد حبیب خود رسول خدا صلی الله علیه و آله کسانی را که صبح می نمودند و شام می نمودند پراکنده و پریشان احوال و غبارآلود و گرسنه، و پیشانی های ایشان پینه بسته مانند زانوهای شتر، و شب را به روز می آوردند در سجده ی پروردگار، و ایستادن از برای نماز، و چون از قیام باز می ماندند، پیشانیها و قدمهای خود را به سجده کردن استراحت می دادند، و چون از سجده باز می ماندند، پیشانیهای خود را به مناجات کردن با پروردگار استراحت و آرام می دادند، و سوال می نمودند خدای را نسبت به آزادی از آتش جهنم؛ به خدا قسم که ایشان با این همه عبادت و طاعت، باز ترسان و لرزان و هراسان بودند.

چنان که در اختصاص در حق عمرو بن عبدالله السبعی می نویسد که از جمله ثقات حضرت علی بن الحسین علیهما السلام و اعیان اهل زمان خود بود و نبود در زمان او کسی اوثق از او در حدیث، نزد تمام خاص و عام و اهتمام او در عبادت و ریاضت به درجه ای بود که چهل سال نماز صبح را با وضوی عشاء به جا آورد و در هر شب یک ختم قرآن می نمود.

و نیز روایت است که علی بن مهزیار چون آفتاب طلوع می کرد به سجده می رفت و سر بر نمی داشت تا برای هزار نفر از برادران خود دعا می کرد مثل آن چه از برای خود دعا کرده بود و بر پیشانی او پینه ای بود مانند پینه ی زانوی شتر از بسیاری طول سجود!

در اقبال ابن طاووس قدس سره است، می نویسد که محمد بن ذکوان از اصحاب حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام بود و معروف بود به محمد سجاد به جهت کثرت سجودش و گفته اند که آن قدر در سجده گریه کرد که کور شد!

در رجال کشی رحمه الله روایت است که فضل بن شاذان به نزد ابن ابی عمیر آمد و او در سجده بود و سجده را بسیار طول داد، چون سر برداشت و طول سجده ی او را مذکور داشتند، گفت اگر سجده ی جمیل بن دراج را می

دیدى از سجده ی من تعجب نمى کردى! و نیز از فضل بن شاذان روایت کرده است که حسن بن علی بن فضال به صحرا مى رفت برای عبادت و سجده ی شکر را چندان طول مى داد که مرغ مى آمد و بر پشتش مى نشست به گمان آن که جامه اى است افتاده و وحشیان بر دور او چرا مى کردند و از او وحشت نمى کردند! و نیز روایت کرده که ابن ابی عمیر بعد از نماز صبح به سجده ی شکر سر مى گذاشت و سر بر نمى داشت مگر وقت ظهر.

خلاصه سیره و دأب و دیدن علما و فقها و عباد سابقین این بوده، چنانکه بخواهم از مراتب عبادات و ریاضات و مجاهدات نفسانی که محتمل مى شدند، مرقوم نمایم کتابی مخصوص خواهد شد و همین سیره و سلوک معمول بود تا آن که غیبت کبری در میان آمد.

پیوسته علمای اعلام و فقهای کرام رضوان الله تعالی علیهم به سیره ی اهل بیت معصومین صلی الله علیهم اجمعین راه مى رفتند و چشمی به دنیا و اهل دنیا نداشتند و بیرق ریاست و مرزبانی نيفراشتند. همواره مشغول به تحصیل علم و عمل و ریاضات نفسانی و تکمیل و تهذیب اخلاق و صفات انسانی بودند تا آن که بعضی از متشبهین به علما و متلبسین به فقها و اراذل ناس و اشرار ارجاس و اهل کسالت و بطالت و زمره ی جهالت و رذالت، میش های باطن گرگ و کوچک عالمان عمامه بزرگ، صوف پوشان بی صفا و رشته بندان با رشا، ملاحظه نمودند که به واسطه ی تحصیل علم صوری صاحب ریاسات دنیویه و ذخایر معنویه مى توان شد، آمدند و خود را متلبس به لباس علما و زى فقها و عرفا نمودند؛ چند کلمه اى از رؤس مسائل اواخر و اوائل فراگرفته، خود را اعلی علما و افقه فقها و اعراف عرفا پنداشته، مشتی از مردمان بی سر و پا، و چند نفری از همج رعاء را تطمیع کرده، به دور خود جمع نموده، خود را عالم ربانی و حکیم صمدانی نموده، تمام اوقات را صرف پوشیدن لباسهای فاخره و طعامهای لذیذه و خیلهای نجیب و عمارات عالیه و بساتین و املاک عدیده و قصور مشیده و فروش ممهده نموده، چون کسی به آنها ایراد نماید که اى عارف ربانى و اى آقاى وحید العصر والزمانى، این روش و سیره اى که شما دارید سیره و سلوک ملوک و ابناء ملوک است، فوراً چشمها را براق نموده و صدا را غلیظ و رگهای گردن را ضخیم که: قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ؟

چگونه این آیه را نخوانند و جواب مدعی را ندهند و حال آن که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم همین جواب و استدلال آنها را به اسامه بن زید خبر داده و آنها را در استدلال به این آیه و امثال آن تکذیب فرموده،

چنان که ابن فهد قدس سره در کتاب تحصین ذکر نموده که: حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم رو به اسامه بن زید فرمودند و بیان کردند که: ای اسامه! ملازم طریق حق باش و حذر کن از احتیاج داشتن به غیر و از آرایش خواهش های دنیا و خوشی به نعمتهای او و همیشه فرحناک بودن در او و طلب زیادتى عیش او!

پس اسامه گفت: یا رسول الله چه چیز است آسان ترین چیزی که راه حق را به سبب او قطع توان کرد؟ فرمود: شب بیداری دائم، و تشنه بودن در روزهای گرم به سبب روزه داری، و بازداشتن نفس از خواهش های نفسانی و ترک پیروی هوی و هوس شیطنانی و دوری کردن از اهل دنیای فانی! ای اسامه، ملازم باش روزه داری را که روزه نزدیک سازنده است بنده را به سوی خدای تعالی و چیزی خوشتر نیست نزد خدای تعالی از بوی دهن روزه دار که ترک کرده است خوردن و آشامیدن را از برای رضای پروردگار عالمیان و اختیار کرده است او را بر ما سواى او و خریده است آخرت خود را به دنیا. پس اگر توانی که مرگت در رسد و تو گرسنه باشی و جگر ت تشنه باشد، بکن که به سبب این می رسی به بلندترین منازل و مقام نیکان و شهدا و صالحان. ای اسامه، ملازم باش سجده کردن را که بنده نزدیکتر است به خدای تعالی از همه ی اوقات، وقتی که در سجده باشد! و نیست بنده ای که سجده کند از برای خدای تعالی، مگر آن که بنویسد از برای او حسنه ای و محو کند از نامه ی اعمال او سیئه ای و بلند گرداند از برای او درجه ای و متوجه او شود به ذات مقدس خود و به او مباحثات کند با ملائکه؛ ای اسامه! ملازم باش نماز کردن را که نماز راس دین و ستون دین و بالاترین مواضع عالییه ی اوست. بترس ای اسامه، از دعای بندگان خدای تعالی که کاسته اند بدنهای خود را و مصاحبند با حزن و اندوه، و لاغر کرده اند گوشتها را و گداخته اند پیه ها را و تشنه گردانیده اند جگرها را به سبب روزه داری، و سوخته اند پوستها را به بادهای گرم در طلب رضای حضرت باری، تا این که پوشیده شده است چشمهای ایشان از غیر پروردگار، از جهت شوقی که ایشان را هست به خدای خود که یگانه و قهار است. به درستی که خدای تعالی هرگاه نظر کند در ایشان مباحثات می کند به ایشان با ملائکه و می پوشد ایشان را به پرده ی رحمت خود و به سبب ایشان برطرف می کند سختی ها و فتنه ها را!

پس گریست آن حضرت به حدی که آواز گریه اش بلند شد و سخت شد گریه در گلو گرفتن و ناله کردن و بلند نفس زدن او و مردم ترسیدند که با آن حضرت حرف زنند و گمان بردند که چیزی از آسمان حادث شده؛ پس آن

حضرت سر به بالا کرده و آه سردی از دل برکشید و فرمودند: واه واه، و بدا حال این امت که چه می رسد از ایشان به جماعتی که اطاعت خدای تعالی کرده اند، چگونه می رانند و می روند و تکذیب می کنند و خوار و ذلیل می گردانند ایشان را از جهت آن که اطاعت الهی کرده اند. آگاه باشید که قیام قائم نمی شود تا آن که دشمنی کنند مردم با کسی که اطاعت خدا کند و دوست دارند کسی را که بر خدا عاصی شود. چه روزی بر دین اسلام خواهند بود! (سپس) فرمودند: کجا است اسلام در چنین روزی ای اسامه؟ اسلام در چنین روزی مثل غریبی است که رانده شده باشد از شهر و دیار خود؛ در این روز برطرف می شود اسلام و باقی نمی ماند از او مگر نامی و ناپدید می شود در او قرآن و باقی نمی ماند از او مگر نشانی.

پس اسامه گفت: یا رسول الله! به چه سبب تکذیب می کنند کسی را که اطاعت خدا می کند؟ فرمودند: واگذاشته اند در آن وقت مردم راه حق را و میل کرده اند به جانب دنیا و ترک کرده اند آخرت را و می خورند چیزهای بسیار خوب و می پوشند لباسهای فاخر و خدمت ایشان می کنند غلامان فارس و روم؛ پس ایشان غذای خود سازند طعامهای خوب و نوشیدنی های خوب و لذیذ و بویهای خوش به کار برند و بناهای بلند مرتفع و خانه های زرنگار می سازند و به مردم نمایند مجالس را و خود را آراسته کنند مردان ایشان همچنان که آراسته کند زن خود را برای شوهر و زنان خود را آراسته کنند به زیورها و جامه ها، و زیّ ایشان زیّ پادشاهان متکبر باشد و مباهات و تفاخر کنند با یکدیگر به جاه و لباس و دوستان خدا، لباس ایشان ... (ساده) باشد و رنگهای ایشان شکسته از بیداری شب و پشتهای ایشان خم است از ایستادن به نماز و شکمهای ایشان به پشتشان چسبیده از بسیاری روزه گرفتن و مشغول کنند خود را از ماسوای پروردگار و بکشند نفسهای خود را به تشنگی از برای طلب رضای الهی و شوق به ثوابهای نامتناهی و خوف از عذابهای دردناک جهنم. پس هرگاه یکی از ایشان تکلم کند به حق و دم زند به راستی به او گویند که خاموش باش، تو رفیق شیطانی و سرکرده ی گمراهانی؛ تاویل کنند کلام خدای تعالی را برخلاف تاویلش و بگویند در جواب این که چرا به زیورها و لباسهای فاخر خود را مزین می گردانید و طعام های لذیذ را می خورید: قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ؛ یعنی کیست

که حرام گردانیده است زینتهایی را که خدا به جهت بندگان خود آفریده و هم چنین طعامهای پاک و پاکیزه را! بدان ای اسامه که منزلت کسی نزد خدای تعالی از همه کس بیشتر است در روز قیامت و ثواب کسی بزرگتر است و مقام کسی از همه کس گرامی تر است که در دنیا اندوه او بسیار باشد از برای رضای خدا! این جماعتند نیکان و متقیان و خوبان! اگر حاضر باشند ایشان را کسی نشناسد و اگر غایب شوند کسی طلب ایشان نکند.

ای اسامه، این جماعت را می شناسند بقعه ها و گوشه های زمین، و می گیرند برای ایشان هرگاه نیابند ایشان را محرابها. پس بگیر ایشان را از برای خود گنجی و ذخیره ای، شاید که نجات یابی به سبب ایشان از سختی های دنیا و هولها و ترسهای روز قیامت و بیرهیز از اینکه واگذاری طریقی را که ایشان درآند و بر آن ثابتند که می لغزد قدمت و سرنگون در آتش می افتی! و بیرهیز ای اسامه، که از جماعتی باشی که می گویند شنیدیم و نمی شنوند.<sup>۴</sup>

۴- رَوَى الشَّيْخُ أَبُو مُحَمَّدٍ جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْقُمِيُّ نَزِيلُ الرَّيِّ فِي كِتَابِهِ الْمُنْبِيِّ عَنْ زُهْدِ النَّبِيِّ ص قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بِلَالٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ حَمْدَانَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ بَشَرُ بْنُ أَبِي بَشَرَ الْبَصْرِيُّ قَالَ أَخْبَرَنِي الْوَلِيدُ بْنُ عَبْدِ الْوَاحِدِ قَالَ حَدَّثَنَا حَنَانُ الْبَصْرِيُّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ نُوحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ سَعِيدِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ نُفَيْلٍ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ص يَقُولُ وَاقْبَلْ عَلَى أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ فَقَالَ يَا أُسَامَةُ عَلَيْكَ بِطَرِيقِ الْحَقِّ وَإِيَّاكَ أَنْ تَخْتَلِجَ دُونَهُ بِزَهْرَةِ رَغَبَاتِ الدُّنْيَا وَغَضَارَةِ نَعِيمِهَا وَبَائِدِ سُورِهَا وَزَائِلِ عَيْشِهَا فَقَالَ أُسَامَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَيْسَرُ مَا يَقْطَعُ بِهِ ذَلِكَ الطَّرِيقُ قَالَ السَّهْرُ الدَّائِمُ وَالظَّمْأُ فِي الْهَوَاجِرِ وَكَفُّ النَّفْسِ عَنِ الشَّهَوَاتِ وَتَرْكُ اتِّبَاعِ الْهَوَى وَاجْتِنَابُ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا يَا أُسَامَةُ عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ قُرْبَةٌ إِلَى اللَّهِ وَلَيْسَ شَيْءٌ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ فَمٍ صَائِمٍ تَرَكَ الطَّعَامَ وَالشَّرَابَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَآثَرَ اللَّهِ عَلَى مَا سِوَاهُ وَابْتِغَاءَ آخِرَتِهِ بِدُنْيَاهُ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ يَأْتِيَكَ الْمَوْتُ وَأَنْتَ جَائِعٌ وَكَبِدُكَ ظِمَانٌ فَافْعَلْ فَإِنَّكَ تَنَالُ بِذَلِكَ أَشْرَفَ الْمَنَازِلِ وَتَحُلُّ مَعَ الْأَبْرَارِ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ يَا أُسَامَةُ عَلَيْكَ بِالسُّجُودِ فَإِنَّهُ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ إِذَا كَانَ سَاجِدًا وَمَا مِنْ عَبْدٍ سَجَدَ لِلَّهِ سَجْدَةً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا حَسَنَةً وَمَا عَنْهُ سَيِّئَةٌ وَرَفَعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةً وَاقْبَلْ اللَّهُ عَلَيْهِ بِوَجْهِهِ وَبَاهِي بِهِ مَلَائِكَتَهُ يَا أُسَامَةُ عَلَيْكَ بِالصَّلَاةِ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْعِبَادِ لَأَنَّ الصَّلَاةَ رَأْسُ الدِّينِ وَعَمُودُهُ وَذُرْوَةُ سَنَامِهِ. وَاحْذَرِ يَا أُسَامَةَ دُعَاءَ عِبَادِ اللَّهِ الَّذِينَ أَنَهَكُوا الْأَبْدَانَ وَصَاحَبُوا الْأَحْزَانَ وَأَزَالُوا اللَّحُومَ وَأَذَابُوا الشُّحُومَ وَأَظْمَنُوا الْكُبُودَ وَأَحْرَقُوا الْجُلُودَ بِالْأَرْيَاحِ وَالسَّمَائِمِ حَتَّى غُشِيَتْ مِنْهُمْ الْأَبْصَارُ شَوْقًا إِلَى الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهِمْ بَاهَى بِهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَغَشَاهُمُ بِالرَّحْمَةِ بِهِمْ يَدْفَعُ اللَّهُ الزَّلَازِلَ وَالْفِتْنَ تَمَّ بِكَى رَسُولُ اللَّهِ ص حَتَّى عَلَا بُكَاءُهُ وَاشْتَدَّ نَحْبُهُ وَزَفِيرُهُ وَشَهيقُهُ وَهَابَ الْقَوْمُ أَنْ يَكْلُمُوهُ فَظَنُّوا أَنَّهُ لَأَمْرٌ قَدْ حَدَثَ مِنَ السَّمَاءِ ثُمَّ إِنَّهُ رَفَعَ رَأْسَهُ فَتَنَفَسَ الصُّعْدَاءُ ثُمَّ قَالَ أَوْهَ أَوْهَ بؤْسًا لِهَذِهِ الْأُمَّةِ مَا ذَا يَلْقَى مِنْهُمْ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ كَيْفَ يَطْرُدُونَ وَيَضْرِبُونَ وَيَكْذِبُونَ مِنْ أَجْلِ أَنَّهُمْ أَطَاعُوا اللَّهَ فَأَذَلُّهُمْ بِطَاعَةِ اللَّهِ أَلَا وَ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُبْغِضَ النَّاسُ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ يُحِبُّونَ مَنْ عَصَى اللَّهَ فَقَالَ عُمَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ النَّاسُ يَوْمئِذٍ عَلَى الْإِسْلَامِ قَالَ وَ آيِنَ الْإِسْلَامِ يَوْمئِذٍ يَا عُمَرُ إِنَّ الْمُسْلِمَ يَوْمئِذٍ كَالْغَرِيبِ الشَّرِيدِ ذَلِكَ زَمَانٌ يَذْهَبُ فِيهِ الْإِسْلَامُ وَ لَا يَبْقَى إِلَّا اسْمُهُ وَ يَنْدَرِسُ فِيهِ الْقُرْآنُ فَلَا يَبْقَى إِلَّا رَسْمُهُ قَالَ عُمَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ فِيمَا يَكْذِبُونَ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ يَطْرُدُونَهُمْ وَ يَعْدِبُونَهُمْ فَقَالَ يَا عُمَرُ تَرَكَ الْقَوْمَ الطَّرِيقَ وَ رَكَنُوا إِلَى الدُّنْيَا وَ رَفَضُوا الْآخِرَةَ وَ أَكَلُوا الطَّيِّبَاتِ وَ لَبَسُوا الثِّيَابَ الْمَزِينَاتِ وَ خَدَمْتَهُمْ أَبْنَاءُ فَارِسَ وَ الرُّومِ فَهُمْ

(مرحوم همدانی در ادامه ی سخن و پس از پایان روایت می گوید) آه آه از این اوضاعی که یومنا هذا فراهم آمده. به خدا نمی دانم چگونه اوضاع و اساس و ریاست دنیویه چشم و گوش بعضی را کور و کر نموده که ابداً در فکر زهدات و عبادت و سیره و سلوک اهل بیت معصومین سلام الله تعالی علیهم اجمعین نیستند! بلی، در لباس با ملوک و ابناء ملوک فرق دارند، ولی در اساس اوضاع دنیویه با آنها مماثل و مشارکند. نمی دانم این است سیره و سلوک اصحاب صاحب العصر والزمان ارواح العالمین فداه؟ نه والله، ابداً آن وجود مبارک راضی نیست و این گونه اشخاص را به ملازمت خود اختیار نخواهد فرمود؛ سیره و سلوک اهل بیت معصومین علیهم السلام نه این اوضاعی است که مردمان این زمان به خصوص اکثر از صاحبان عمامه و خرقة و ردا و طیلسان و رشته و عبا پیشنهاد خود نموده اند و دعوی محبت و مودّت و نیابت امام خود را می نمایند.<sup>۵</sup>

يَعْتَدُونَ فِي طَيِّبِ الطَّعَامِ وَلَذِيذِ الشَّرَابِ وَ زَكِيِّ الرِّيحِ وَ مُشِيدِ الْبَنَانِ وَ مُزَخَرَفِ الْبُيُوتِ وَ مَجْدِ الْمَجَالِسِ يَتَبَرَّجُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ كَمَا تَتَبَرَّجُ الزَّوْجَةُ لِزَوْجِهَا وَ تَتَبَرَّجُ النِّسَاءُ بِالْحُلِيِّ وَ الْحُلْلِ الْمَزِينَةِ رَأَيْتَهُمْ يَوْمَئِذٍ بَرِئَ الْمُلُوكِ الْجَبَّارَةِ يَتَبَاهَوْنَ بِالْجَاهِ وَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ عَلَيْهِمُ الْعَنَاءُ مُشَحَبَةٌ [شَاحِنَةٌ] أَلْوَانُهُمْ مِنَ السَّهْرِ وَ مُنْحَنِيَةٌ أَصْلَابُهُمْ مِنَ الْقِيَامِ قَدْ لَصِقَتْ بَطُونُهُمْ بِظُهُورِهِمْ مِنْ طُولِ الصِّيَامِ قَدْ أَذْهَلُوا أَنْفُسَهُمْ وَ ذَبَحُوا بِالْعَطَشِ طَلَبًا لِرِضَى اللَّهِ وَ شَوْقًا إِلَى جَزِيلِ ثَوَابِهِ وَ خَوْفًا مِنْ أَلِيمِ عِقَابِهِ فَإِذَا تَكَلَّمَ مِنْهُمْ مُتَكَلِّمٌ بِحَقٍّ أَوْ تَفَوَّهَ بِصِدْقٍ قِيلَ لَهُ اسْكُتْ فَأَنْتَ قَرِينُ الشَّيْطَانِ وَ رَأْسُ الضَّلَالَةِ يَتَأَوَّلُونَ كِتَابَ اللَّهِ عَلَى غَيْرِ تَأْوِيلِهِ وَ يَقُولُونَ مَنْ حَرَّمَ زِينَةُ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ وَ اعْلَمْ يَا أُسَامَةَ إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أَجْزَلُهُمْ ثَوَابًا وَ أَكْرَمُهُمْ مَأْبًا مَنْ طَالَ فِي الدُّنْيَا حُزْنُهُ وَ كَثُرَ فِيهَا هَمُّهُ وَ دَامَ فِيهَا غَمُّهُ وَ كَثُرَ فِيهَا جُوعُهُ وَ عَطَشُهُ أُولَئِكَ الْأَبْرَارُ الْأَتَقِيَاءُ الْأَخْيَارُ إِنْ شَهِدُوا لَمْ يَعْرِفُوا وَ إِنْ غَابُوا لَمْ يَنْتَقِدُوا يَا أُسَامَةَ أُولَئِكَ تَعْرِفُهُمْ بِقَاعِ الْأَرْضِ وَ تَبْكِي إِذَا فَقَدْتَهُمْ مُحَارِبِيهَا فَاتَّخِذْهُمْ لِنَفْسِكَ كُنْزًا وَ ذُخْرًا لَعَلَّكَ تَنْجُو بِهِمْ مِنْ زَلْزَلِ الدُّنْيَا وَ أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَدَعَ مَا هُمْ فِيهِ وَ عَلَيْهِ فَتَزِلَ قَدَمُكَ وَ تَهْوَى فِي النَّارِ فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ وَ احْذَرْ يَا أُسَامَةَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ هُمْ لَا يَسْمَعُونَ. (التحصيل في صفات العارفين، ص ۲۰-۲۲)

<sup>۵</sup> به نظر می رسد تذکر این مطلب ضروری است که هر مخاطبی احوال خود را با این نوشته و تکلیف بسنجد و برای دیگران و عاقبتشان تصور و تصدیقی به میان نیاورد تا تحولی که باید در خودش ایجاد شود.